

فرهنگ اصطلاحات حافظ

گفتار پانزدهم «ش»

۱۲۸/۱۱ - ۱۴۰/۷ - ۱۴۱/۱۳ -
 ۱۴۵/۱۱ - ۱۴۵/۱۲ - ۱۶۰/۲ -
 ۱۶۳/۱۰ - ۱۶۴/۲ - ۱۶۶/۱۱ -
 ۱۶۶/۹ - ۱۶۴/۱ - ۱۶۴/۵ - ۱۸۱/۱۲ -
 ۱۸۷/۱ - ۱۹۱/۱ - ۲۰۷/۶ - ۳۸۴/۸ -
 ۲۱۰/۴ - ۲۱۲/۹ - ۲۱۴/۶ - ۲۲۵/۲ -
 ۲۲۵/۳ - ۲۲۵/۹ - ۲۲۵/۱۰ - ۲۲۵/۱۱ -
 ۲۲۶/۳ - ۲۳۴/۸ - ۲۲۴/۹ - ۲۳۷/۷ -
 ۲۲۵/۸ - ۲۲۸/۹ - ۲۴۰/۱۰ - ۲۴۹/۱ -
 تورانشاه ۲۵۴/۲ - ۲۵۸/۱۲ - ۳۶۹/۴ -
 ۲۸۲/۱۰ - ۲۷۷/۲ - ۲۶۶/۱۰ - ۲۸۴/۹ -
 ۳۱۵/۵ - ۳۱۴/۱۲ - ۳۲۶/۵ - ۳۳۳/۹ -
 ۳۳۳/۴ - ۳۳۱/۷ - ۳۳۱/۴ - ۲۶۳/۵ -
 ۲۶۳/۷ - ۳۶۳/۶ - ۳۶۷/۴ - ۲۹۲/۲ -
 ۱/قیر - ۳/فکج - ۲/قیر در ابیات زیر
 بصورت «شه» آمده ۶۷/۱۲ - ۸۳/۳ -
 ۴/فکن - ۱۰۰/۷ - ۳۷۴/۶ - ۳۷۴/۹ -
 ۳۵۹/۲ در موارد زیر اسامی اشخاص
 میباشد که باشاه شروع میگردد ۱۴۴/۶ -
 شاه یحیی ۲۷۸/۷ - شاه منصور ۲۷۰/۱۲ -
 ۳۰۱/۱۳ شاه یحیی ۲۹۲/۷ - شاه نصره الدین
 در موارد ۹۸/۱ - ۲۸۷/۶ - شاهانه بکار
 رفته در ۸۱/۲ - ۴۷/۹ - شاهوش استعمال

شاب - مرد جوان ۱۷۸/۷ -
 ۲۹۱/۷
 شاد - ۳۹/۴ - ۶۹/۷ - ۷۰/۷ -
 ۷۱/۳ شادخوران - ۸۳/۸ -
 شادی - ۸۷/۵ - ۹۸/۲ - ۹۹/۲ -
 ۱۰۳/۷ شادی - ۱۱۷/۱۱ شادی - ۱۲۸/۸ -
 ۱۳۴/۱۲ شادمان - ۱۷۲/۷ - ۲۱۵/۶ -
 ۲۲۵/۱ - ۲۴۷/۵ شادان - ۳۵۲/۱۱ -
 شادی - ۲۶۷/۷ شادی - ۲۵۴/۸ - ۲۶۰/۳ -
 ۳۷۶/۵ شادابی - ۳۰۱/۳ - ۴/فکب
 ۳۳۱/۲ - ۱۷۷/۸ شادی - ۲۲۳/۳ شادی
 ۳۷۹/۵ - شادوی - ۳/فک شادمان
 شارع میخانه - ۲۵۶/۱۱
 شاکر - ۳/فک

شام - عکس صبح و در اصطلاح مراد
 از شام مراتب کثرات و حجاب تعینات و
 پرده وحدت است ۵۸/۱۰ - ۶۲/۱۳ -
 ۵۱/۱۰ - ۲۲۸/۱۰ - ۱۰۲/۱۲ در
 ابیات زیر بصورت «شام غریبان» بکار رفته
 است ۲۲۸/۱۲ - ۱۲/۶ -
 شاه - ۵۰/۳ - ۷۲/۷ - ۷۵/۳ -
 ۷۹/۱۲ - ۵۸/۱ - ۱۱/۱ - ۸۶/۱۱ -
 ۹۲/۲ - ۱۰۴/۱۲ - ۱۱۶/۱۱ - ۱۲۰/۹

۱۱۹/۱۰-۲۲۵/۱۰-۲۴۵/۲-۳۶۶/۵

شایگان - (گنج شایگان) نام یکی

از گنجهای خسرو پیر ویزاست ۲/قیح-۳/قیح

شباب - جوانی ۶/۱۲ - ۷/۱۲

۱۱۵/۱۱-۱۰۵/۱۱-۱۳/۲-۲۲/۴

۳۷۹/۹-۳۲۸/۴-۱۴۴/۱-۱۲۷/۹

۲۹۳/۷

شبان - وادی ایمن، منظور حصرت

موسی است ۱۲۷/۸

شب - در اصطلاح عالم غیب را

گویند و بر عالم جبروت نیز اطلاق کنند

مولوی گوید :

ما شیروان که در شب خلوت سفر کنیم

در تاج خسروان بحقارت نظر کنیم

۱۵/۷-۲۷/۱۲-۲۲/۱۲ شب دیجور -

امش ۱-۳۳/۱-امشب ۵/۱۷۰-۱۷۷/۱۰

در بیت‌های زیر بصورت جمع یعنی شبان

بکار رفته است ۵/۳۶-۱۰/فکه و در

بیت‌های زیر بصورت «شب نشینان» آمده

۸۹/۶-۳۴۸/۱۱-۳۴۸/۱۱ در بیت‌های زیر

«شب‌زنده‌دار» استعمال شده است ۸/۱۰۴

۳۲/۱-۱۸۷/۱ در ابیات زیر بصورت

«شبخیز» آمده ۲/۳۱۳-۱/۳۳۵

شب‌پره‌اعمی - خفاش شب‌کور را

گویند ۲/۱۳۱

شب‌قدر - شب‌قدر بقای سالک را

گویند که در عین استهلاک بود بوجود حق

تعالی و شمی را گویند که در سال در میان

شبهات گم است و در آن شب قرآن بر حضرت

رسول ص نازل شد بحکم «انا انزلناه

فی لیلۃ القدر» ۲۲/۱۲ - ۳۰/۱۰ -

۱۲۴/۶-۱۴۰/۹

شده است .

شاهان- ۷۷/۱-۷۱/۹-۳۵/۱۰

۱۳۳/۱۱ - ۱۳۶/۱۳ - ۳۲۹/۱

۳۵۷/۴ در ابیات زیر بصورت «شاهی»

بکار رفته است، ۱۲/۲-۳۴/۵-۲۹۷/۷

۳۵۹/۳-۳۴۹/۲-۳۲۱/۶-۳۵۸/۵

شاهباز- ۲۷/۴-۳۱۸/۶-۵/فکن

در ابیات زیر بصورت مخفف یعنی شهیاز

آمده است ۲۳۰/۹-۲۳۶/۳-۳۶۶/۵

شاهد - زن رعنا، مرد خوش سیما،

هر چیز گرانبها، گواه و نیز بمعنی حاضر

آمده . تجلی جمال ذات مطلق را در

لباس شاهد بیان کرده‌اند. گاهی از شاهد

معشوق و محبوب اراده شده است از جهت

حضور او نزد معشوق در تصور و خیالش.

ضمناً آنچه حاضر در قلب و دل انسان

است شاهد گویند ۹/۱۱-۱۲/۸-۶۴/۳

۷۲/۵-شاهد مقصود- ۷۷/۹-۱۱۵/۱۱

۱۰۹/۱۳-۹۱/۲-۸۵/۶-۱۹۵/۱۱

۱۱۰/۸-۱۳۳/۱۲-۱۴۲/۱۲-۱۴۶/۱

۱۶۲/۵-۱۴۴/۱-۱۶۱/۱۱-۱۴۹/۱

۲۴۲/۹-۲۰۷/۱۱-۱۹۹/۲-۱۸۶/۸

۲۵۹/۶-۳۵۲/۵-۲۴۳/۹-۲۴۳/۳

۳۰۱/۹-۲۹۲/۲-۲۷۴/۲-۳۶۳/۴

۳۸۴/۵-۳۵۳/۹-۳۴۰/۸-۳۱۹/۱۱

۱/فکه-۶/فکه

شاهراه- ۳۷/۱-۳۷/۱-۲۲۵/۸-۳۷۲/۵

۳۱۵/۲-۲۱۹/۷-۹۸/۱-۹۴/۱

شاهنشاہ یا شهنشاہ- ۱۱/۲-۱۰۰/۹

۳۴۷/۲-۳۳۳/۶

شاهین - قسمی از بازشکاری، زبانه

ترازو و چوب‌ترازورا نیز گویند ۱۴۱/۶

ملاحت باشد و مخصوص اهل کمال است که
 اخص هستند در نهایت سلوک و بالجمله
 بطور مطلق کنایه از سکر و آن محبت و
 جذبۀ حق است و عشق و ذوق و سکر را
 بشراب تشبیه کرده اند ۳/۲ - ۱۲/۱۱
 ۱۳/۸ - ۲۱/۹ - ۲۸/۱۰ - ۲۸/۱۳
 ۴۶/۶ - ۵۵/۶ - ۵۳/۱۱
 ۶۹/۵ - ۶۸/۱۳ - ۶۳/۳
 ۷۷/۹ - ۱۰۸/۱۲ - ۱۱۰/۹ - ۱۱۰/۶
 ۱۱۲/۸ - ۱۱۳/۱۳ - ۱۰۷/۱۱ - ۱۳۶/۱۰
 شراب نبش ۱۴۸/۹ - ۱۴۸/۱۲ -
 ۱۴۳/۱۲ - ۱۳۴/۱۳ - ۱۴۵/۵ شراب
 دوساله ۱۵۰/۳ - ۱۴۹/۱ - ۱۵۰/۷
 ۱۶۷/۲ - ۱۷۸/۲ - ۱۷۸/۳ - ۱۸۸/۷
 ۲۰۳/۶ - ۲۰۷/۱۰ - ۲۴۴/۱۱ شراب
 تلخ صوفی سوز ۲۵۸/۹ - ۲۶۰/۴ شراب
 موحوم ۲۷۲/۱۰ - ۲۷۸/۸ - ۲۷۳/۲
 ۲۹۸/۴ - ۲۸۴/۸ - ۲۹۲/۳ شراب
 کونر ۲۹۹/۷ - ۲۹۳/۲ - ۲۹۳/۳
 ۳۰۰/۶ - ۳۰۰/۷ - ۳۰۱/۱۰ - ۳۲۴/۹
 شراب بیفش ۳۲۷/۹ - ۳۲۹/۵ - ۳۲۸/۲
 ۳۴۹/۲ - ۳۴۲/۴ - ۳۵۸/۸ - ۳۷۶/۲
 ۳۷۹/۹ - ۳۷۶/۳ - ۳۸۱/۵

شرابخانه - در اصطلاح عرفا عالم

ملکوت را گویند و همچنین بیاطن عارف
 کامل نیز اطلاق کنند. عطار گوید :
 پیش ازین کاند در جهان باغ و زروا نکور بود
 از شراب لایزالی جان ما مخمور بود
 و سلمان گوید :

عاشقانرا ذوق مستی از شراب دیگرست
 وین هوای گرم از فروغ آفتاب دیگرست

شبستان - خوابگاه ، خلوتخانه و
 حرمسرای پادشاهان، و آنجای از مسجد
 که در آن عبادت کنند و شیها آنجا خوابند
 ۲۷۳/۸ - ۳۵۰/۷

شبگیر - سحرگاه، کسی که در آخر
 شب عبادت برخیزد ۹/۳ - ۱۴۲/۶
 ۳۳۶/۹ - ۲۰/۴

شبل الاسد - بچه شیر ۳۲۶/۶
 شبنم - ۶۹/۲ - ۸۶/۵ - ۲۹۴/۷
 ۳۳۲/۵ - ۳۳۲/۳

شبهه - شك و گمان ۲۰۱/۸
 شتاب - تندى - بزودى و عجله
 ۸۴/۱۱ - ۱۵۰/۴ - ۳۷۳/۲ - ۲۷۲/۸
 شجر طوبی - نام درختی در بهشت
 ۳۱۹/۲

شحنه - شیکرد ۳۴/۵ - ۸۲/۴
 ۵۱/۱ - ۱۵۵/۱ در بیت ۳۷/۱۲ بصورت
 شحنه شناس آمده است .

شحنه نجف - علی بن ابیطالب
 علیه السلام ۲۰۱/۹

ش - در مقابل آمد بمعنی رفت
 است و در مواردی هم بصورت فعل محقق -
 الوقوع بکار رفته و گاهی نیز بمعنی گردید
 است ۹۸/۹ - ۹۵/۴ - ۲۲/۴ - ۱۲/۹
 ۱۱۰/۱ - ۱۱۵/۹ - ۱۱۹/۱۱ - ۱۳۱/۶
 ۱۶۹/۶ - ۱۶۸/۱۰ - ۱۸۷/۹ - ۱۹۵/۹
 ۲۵۳/۱۲

شداد - ۳۰۳/۸

شر - بدی نقیض خوب و نیک
 ۲۱۹/۸ - ۱۸۸/۷ - ۱۴۲/۱۲

شراب - در اصطلاح علیه های عشق
 را گویند با وجود اعمالی که مستوجب

شرط ادب ۱۳۷/۴ شرط ادب ۱۴۱/۷
 شرط طروت ۱۵۲/۹-۱۹۴/۶-۱۸۸/۱۱
 ۲۳۸/۵-۲۵۷/۱-۳۲۱/۳ شرط اول
 ۳۴۰/۵ شرط انصاف
 شرع - دین و آیین، مذهب، طریقه
 ۱۱۲/۶-۱۹۵/۱۱-۳۶۹/۱-۲۸۳/۱۰
 ۱۱/۱ قیز-۶/۶ فکه شرع یزدانی
 شرف- بزرگی، بلندى، جلال ۵۲/۶
 ۳۰/۱۳-۱۰۹/۴-۲۰۱/۱-۲۹۲/۸
 شرم حیا - ۱۳/۱۱ - ۳۶/۱۱
 ۹۹/۱۰-۷۲/۷-۱۲۳/۵-۱۸۹/۱۲
 ۱۹۶/۱۱-۱۷۸/۱-۲۱۲/۳-۲۳۸/۷
 ۲۵۸/۲-۲۶۴/۷-۲۸۰/۹-۳۱۱/۱۰
 ۳۷۳/۹-۳۴۷/۸-۳۸۳/۳-۱/۱ قیل
 شرمسار - خجل ۱۶۲/۵-۴۳/۶
 ۲۲۰/۷-۲۳۲/۳-۲۴۴/۵
 شرمنده - ۹۱/۶
 شریعت - قانونی که پیغمبران از
 جانب خداوند برای مردمان آورده اند
 که آنرا و خشور بند و خشور نهاد نیز
 گویند ولی در لغت «مشرع الماء» جای
 برداشتن آب از رودخانه را گویند
 ۱۵۲/۴-۵۳/۱۲
 شریف - بزرگوار و اصیل ۳۰/۱۰
 ۱۵۴/۶-۲۹۵/۴
 شست - زنا و رشته ای که گبران
 و هندود بر کمر بندند ولی در اینجا در بیت
 اول بمعنی زهکیر یعنی چیز انکشتر
 مانند ای که از استخون سازند و در وقت
 کمانداری زه کمان را بدان گیرند و در
 بیت دوم بمعنی قلبی که بدان ماهی گیرند
 ۲۰/۱۳-۱۰۱/۱

۱۷۲/۸-۱۷/۱۰

شراب خانگی - شراب ۱۱-۱۹۱
 ۱۹۸/۳ و در بیت ۳۳۴/۹ منظور از
 جنس خانگی همان شراب است .
 شراب خواره - ۱۶۷/۷-۲۴۱/۲
 شراب خواره
 شراب - آتشبار - جرعه ۱۷۸/۱۰
 شراب اشک-۳/۳ فکز شراب چراغ
 شراب بوالهبی - شراب جرعه و لوب
 شعله آتش را گویند ولی در اینجا منظور
 شرارت و بدی ابوالهیب نسبت به پیغمبر
 اکرم میباشد ۴۵/۴
 شرب - بر وزن غرب از کتان بافند
 و بر سر بندند و قسمی از کتان مصری ۲۹۴/۶
 شرب - نوشیدن شراب ، اصطلاح
 حلاوت طاعت و لذت کرامت و راحت انس
 را گویند و هیچ کس کار بی شراب نتواند
 کرد و چنانکه شرب تن از آب باشد شرب
 دل از راحت و حلاوت دل باشد مرید
 و عارف باید که از شراب ارادت بیگانه
 باشد ۹/۶ شرب مدام - ۱۰۲/۷ شرب
 مدام-۲۱۰/۵ شراب مدام
 شراب الیهود - باده ای که پنهان و
 کم خوردند چه یهودان از ترس مسلمانان
 شراب را پنهان و کم میخوردند ۱۹۳/۳
 شربت - ۲۱/۱۰ شربت عذب
 ۳۷/۵-۵۹/۳
 شرح- ۱۰۷/۳-۱۱۶/۶-۴۴/۵
 ۱۴۰/۱۳-۲۸۸/۹-۳۰۴/۱-۳۰۶/۱۳
 ۳۴۹/۵
 شرط - لازم گردانیدن چیزی ،
 قیارداد ۳۶/۹ شرط عشق بازی ۷۰/۱

۶۷/۹ - ۷۳/۶ - ۲۲۲/۶ شفا بخش
 ۱۷۹/۶ شفاخانه در بیت ۵۷/۱۰ با توجه
 به اضافه شدن قانون به شفا مفهوم اسلوب
 علاج استنباط میشود اما در اینجا بطریق
 ایهام واقع شده چون قانون کتاب پیراج
 طبی و شفا کتاب منطق و حکمت از آثار
 گرانیهای ابوعلی سیناست .

شفاعت - درخواست عفو و بخشش
 ۲۳۶/۸

شفق - سرخی شام و باغداد که پس
 از غروب آفتاب یا قبل از طلوع آن پدید
 میآید ۱/فکر

شفقت - مهربانی ۹۵/۶
شفیق - مهربان و تسلی دهنده
 ۲۰۲/۹ - ۱۸۵/۲

شقایق - نوعی از لاله ۶۰/۱۳
 ۱۱۱/۸ - ۲۰۰/۸ - ۲۵۱/۴ - ۷/۴ ککه
شک - گمان و ظن و شبهه ۱۲۷/۷
 ۳۴۸/۳ - ۲۰۵/۴ - ۲۰۵/۲

شکار - ۱۲۵/۱۱ - ۱۲۸/۲
 ۲۷۲/۲ - ۱۹۶/۶

شکایت - ۶۵/۷ - ۱۱۷/۱۲ - ۹۹/۱
 ۱۰۸/۵ - ۱۲۱/۱۲ - ۱۵۰/۳ - ۱۶۱/۱۲
 ۱۷۲/۶ - ۱۷۲/۱۰ - ۲۲۹/۶ - ۲۵۵/۶
 ۲۴۸/۲ - ۳۲۴/۱۰ - ۳۰۴/۸ - ۳۲۷/۱
 ۳۲۹/۸

شکر - با فتح اول ۴/۱ - ۴/۶
شکرخا - ۴/۶ شکر فروش ۳۳/۵ - ۴۴/۲

۴۸/۱ - ۵۱/۱۲ - ۵۳/۲ - ۵۹/۱۲
 ۷۲/۱ - ۷۳/۶ - ۷۵/۱ - ۷۲/۸ - ۱۶۹/۶
 ۸۲/۸ - ۹۲/۱۰ - ۱۰۶/۳ - ۱۱۱/۴
 ۱۲۲/۵ - ۱۲۲/۱۱ - ۱۲۴/۱۰

شطج - شطج سخن است که زبان
 از آن تنفر داشته باشد و گوش از شنیدن
 آن کراهت دارد و بمعنی حرکت است
 و آن بیان امور و رهزیزست در وصف وجود
 و حال حرکت شدید آسیا را نیز شطج
 گویند و سخن را گویند که ظاهر آن با
 ظاهر شرع راست نباید و پاسخنانی است
 که در حال شدت وجد ادا شود و شنیدن
 آن بر ارباب ظاهر بسیار ناخوش باشد
 مثل انا الحق گفته منصور ۱۸۶/۷
 ۲۵۷/۸

شطر نج - مأخوذ از شترنگ فارسی
 است که بازی معروفی است ۵۰/۳
شعار - جامه‌بی که در زیر جامه
 دیگر پوشند ۲۸۸/۸

شعاع - پاره‌یی از روشنی که بر شکل
 کوه از پیش شخص بنماید، روشنی آفتاب
 ۱۹۸/۹ - ۳۷۷/۲ - ۲۷۴/۴
شعبان - نام ماه هشتم از ماههای
 تازی ۱۱۱/۱۲

شعبده - حقه بازی و تقلب ۹۱/۱
 ۲۵۷/۵ - ۲۶۱/۳ - ۲۱۲/۳ - ۹۶/۱۱
شعبده باز - ۲۵/۸ - ۱۰۶/۶
 ۲۹۲/۱۲

شعشه - سایه پرکننده و تنگ، آب
 آمیختن بچیزی را نیز گویند ۱۲۴/۵
 ۷/فکر

شعله - ۱۰۳/۱۱ - ۱۲۵/۵ - ۵/۵ کج
شعیب - نام پیغمبری که پدروزن
 موسی بود و نام اصلیش اوین و بفارسی
 یوبب گویند ۱۲۷/۸
شفا - با کسر اول تندرستی و بهبودی

در اصطلاح کسی که برای هنری که نشان داده محل تحسین واقع شده گویند او شکر آویخت ۳/ فکه

شکیب - با کسر اول صبر و آرام
۲۰۲/۴

شکیبائی - با کسر اول - بردباری
۳۵۲/۴ - ۶۶/۶

شمال - بادی از جانب قطب میوزد
۲۰۶/۷ - ۲۰۵/۷ - ۱۸۹/۳

شمامه - بوی خوش و گلوله‌یی که بشکل گوی مرکب از خوشبوها که در دست گرفته می‌بویند ۹/۲۷۶

شمائل - اخلاق پسندیده، خوبیهای ذات در اصطلاح امتزاج جمالیات و جلالیات را گویند و اندک جذبه الهی را گویند
۳۲۴/۳ - ۳۱۹/۱۱ - ۲۰۹/۱ - ۶۲/۱۳
۳۱۱/۷

شمس - آفتاب ۱/۳۲۴ - ۸/ فکن
شمشاد - با کسر یافتن اول درختی است همیشه سبز و هر درخت راست و بلند
۱۵/۳ - ۲۸/۸ - ۹۸/۶ - ۲۱۴/۷
۲۵۵/۱۲ - ۳۵۲/۶ - ۳۲۸/۶ - ۲۲۳/۷
۲۹۴/۹ - ۲۶۶/۱۰ - ۳۵۳/۱۰

شمشیر ۸/۷۶ - ۲/۱۰۵ - ۱۲۱/۱۱
۲۰۴/۹ - ۲۷۸/۷ - ۶۲/۶ - ۱۴۲/۱
۳۰۱/۱۳ - ۲۶۹/۵ - ۲۹۰/۲ - ۳۶۷/۴
۸/ فکن

شمع - نزد صوفیان نور الهی را گویند و نیز اشاره به نور عرفانست که در دل عارف صاحب شهود افروخته می‌گردد و آن دل را منور کند و شمع اللهی قرآن مجید را گویند بعضی گویند کنایه از حضور

۱۳۸/۱۱ شکرخا ۱۱/۱۵۱ - ۱۵۵/۱۰
۱۵۶/۷ - ۱۶۵/۱۱ - ۱۲۹/۹ شکرغم
۲۵۴/۶ - ۱۹۶/۱ - ۱۶۷/۱۳ - ۱۹۴/۸
شکرخنده ۹/۲۵۸ - ۵/۲۷۴ - ۲۸۱/۱۱
شکرخا ۱۱/۲۹۰ - ۲/۲۹۲ - ۶/۳۱۸
۳۳۳/۳ شکر لهجه
۱/ فکب - ۲/ فکب - ۷/ فکه در ایبات زیر بصورت «شکر خراب» آمده ۴/۱۴۴
۱/۱۶۰ - ۱۱/۱۷۱ - ۹/۳۱۵ و در موارد ذیل «شکرین» استعمال شده است ۱/۷۲
۱/۱۳۵ - ۱۱/۲۷۹

شکر - شکر در لغت کشف و اظهار سیاس است و در عرف علماء اظهار نعمت منعم است بواسطه دل و زبان ۳/۱۵
۶/۱ - ۴/۲۹ - ۶/۶۱ - ۶/۶۰ - ۲/۶۵
۷/۶۵ - ۱/۴۳ - ۱/۱۱۶ - ۱۲/۱۱۲
۱۲/۱۲۰ - ۱۲/۱۲۱ - ۱۲/۱۹
۱۱/۱۳۶ - ۵/۱۱۳ - ۴/۱۲۵ - ۴/۱۴۶
۱۰/۱۶۷ - ۲/۱۷۶ - ۵/۱۷۵ - ۶/۱۷۵
۵/۱۶۹ - ۱/۱۹۵ - ۶/۱۹۸ - ۴/۲۰۵
۴/۲۲۶ - ۱/۲۰۸ - ۹/۱۸۹ - ۱/۲۳۱
۹/۲۰۶ - ۲/۲۱۹ - ۱۳/۳۱۲ - ۳/۲۲۷
۲/۲۴۹ - ۱۳/۲۴۴ - ۵/۲۹۵ - ۹/۳۴۴
۵/ فکه - ۴/۲۴۸ - ۱۰/۳۱۴

شکرانه - شکرگزاری ۵/۵ -

۸/۴۳ - ۴/۱۲۵ - ۱۲/۱۸۶
۵/۱۹۶ - ۶/۲۴۸ - ۱۰/۲۲۰ - ۱۰/۳۱۴

شکر آویز - مرحوم علامه قزوینی مفهوم این ترکیب را در هیچ فرهنگی نیافته فقط نظر سودی را بسیار نزدیک بواقع میداند که «شکر آویز» وصف ترکیبی است و معنی آن آویختن شکر است ولی

بی باک ۳/۱۱-۳/۵-۱۳/۸-۳۹/۸ چشم شوخ
 ۶۷/۶ دو چشم شوخ ۸۵/۱-۸۶/۱۰
 ۹۴/۶-۱۱۶/۱۰ چشم شوخ ۱۷۱/۴
 ۱۹۶/۹-۳۸۴/۵ در ابیات زیر بصورت
 شوخی آمده ۲۵/۶-۸۷/۳-۹۵/۱
 ۲۰۹/۵-۲۴۲/۸-۳۱۰/۶
شور - آشفتگی و اضطراب. حالت
 خاص را گویند که معارف سالک ذیبت دهد
 بواسطه شنیدن کلام حق و سخنان عبرت
 آمیز و یاد در حال سماع و رقص ۱۴۲/۱۲
 ۱۸۸/۷-۲۱۵/۹-۲۸۴/۸-۲۹۲/۲
شور انگیز - فتنه انگیز ۱۸۰/۸
 ۳۶۵/۸
شوریده - آشفته، مضطرب، عصبانک،
 عاشق ۵۱/۱۱-۹۹/۸-۱۸۷/۷
 ۱۷۲/۱۲-۲۵۷/۴-۲۳۴/۸-۲۶۷/۱۲
شوریدگان
شوق - رغبت و میل زیاد است در
 اصطلاح انگیزه دیدار محبوب را گویند
 که سبب طلب است و آتشی است که شعله
 شعاع آن از آتش محبت خیزد و پایه
 انتظار را خراب کند و عاشق را بیقرار
 نماید ۲۲/۱-۴۴/۵-۴۱/۱۲-۶۰/۱۰
 ۱۲۴/۳-۱۲۲/۱۰-۱۰۹/۵-۶۳/۴
 ۱۳۱/۱۱-۱۳۹/۱۱-۱۶۱/۸
 ۱۶۴/۲-۱۷۳/۵-۱۷۷/۳-۲۰۲/۲
 ۲۰۲/۶-۲۰۲/۸-۲۲۰/۱-۲۲۵/۱۳
 ۲۲۷/۶-۲۴۰/۱۰-۲۴۲/۴-۲۸۸/۱۱
 ۳۲۳/۹-۳۲۳/۸-۲۳۵/۸-۳۵۰/۹
شوکت - جاه و عظمت، بزرگواری
 ۷۴/۵-۱۱۲/۱۲-۲۶۹/۳-۳۲۵/۱
 ۳۶۴/۳-۳۱۴/۱۲

است که بر تو اسرار الهی را در مقام
 حضور در یابد هر که تواند ۳/۴-۵/۱۰
 ۱۴/۵-۱۴/۱۰-۱۶/۱۲-۲۰/۱۱
 ۲۹/۱۳-۳۳/۱-۳۶/۵-۴۷/۴
 ۴۷/۷-۴۸/۱۱-۶۶/۶-۵۹/۱۰
 ۶۰/۶-۵۷/۵-۵۵/۱۰-۸۶/۱۰
 ۷۹/۳-۹۲/۶-۹۵/۳-۹۴/۷
 ۹۷/۱۳-۹۳/۱۲-۱۰۲/۱-۱۰۹/۱
 ۱۲۲/۱-۱۱۵/۱۳-۱۲۵/۵-۱۴۲/۷
 ۱۴۶/۱-۱۴۸/۱۳-۱۴۱/۹-۱۷۶/۱۲
 ۱۷۴/۸-۱۷۵/۱۲-۱۸۵/۸-۱۹۳/۷
 ۱۹۸/۹-۱۹۹/۵-۱۹۹/۶-۱۹۹/۷
 ۱۹۹/۸-۱۹۹/۹-۱۹۹/۱۰-۱۹۹/۱۱
 ۱۹۹/۱۲-۲۱۵/۸-۲۲۹/۱۰-۲۳۰/۶
 ۲۳۵/۹-۲۳۲/۳-۲۳۲/۷-۲۴۳/۱۲
 ۲۶۸/۷-۲۷۷/۸-۲۷۶/۱۱-۲۸۶/۹
 ۳۱۵/۱۰-۳۱۷/۱۱-۳۳۱/۷-۳۴۹/۵
 ۳۵۳/۱۳-۳۴۴/۴-۳۷۸/۱-۳۵۵/۲
۸/فکح-۵/فکح در بیت اخیر منظور شمع
 آسمان کنایه از آفتاب است .
شعه - بوی - بوی خوش - عادت ،
 خوی، کم، رسم و طریقه ۳۷/۳-۳۹/۶
 ۴۴/۵-۱۵۸/۸-۱۶۹/۱-۳۶۵/۸
شنبه - ۳۷۲/۴
شننگ - بافتن اول زیبا و خوشگل،
 و شاهد ظریف ، در جاهای دیگر بمعنی
 تکبیر ، دزد و خرطوم فیل را نیز گویند
 ۱۹۱/۲-۳۸۴/۵
شنگول - شوخ - ظریف و زیبا در
 جای دیگر بمعنی خرطوم فیل و دزدنیز
 هست ۱۸۹/۶-۱۹۵/۹-شنگولان
شوخ - قشنگ ، مطبوع ، گستاخ ،

بمعنی سپیدی موی و پیری بکار رفته است.

شیخ - مرد مسن - مرشد در اصطلاح انسان کامل است و مقام او برتر و بالاتر است مولوی گوید :

کاین دعای شیخ نه چون هر دعاست

فانی است و گفت او گفت خداست

۵/۱۳ - ۷/۲ - ۹/۱۲ - ۳۴/۲ - ۵۰/۱۰

۱۱۰/۶ - ۹۹/۵ - ۹۰/۳ - ۸۷/۶ - ۵۴/۸

۱۴۱/۱۱ - ۱۳۶/۹ - ۱۲۲/۸ - ۱۲۱/۱۰

۲۱۱/۶ - ۱۹۳/۳ - ۱۷۸/۷ - ۱۶۷/۷

۳۱۲/۴ - ۲۹۱/۷ - ۲۸۹/۳ - ۲۸۸/۷

۳۶۱/۸ - ۳۶۳/۵ - ۳۶۳/۴ - ۳۳۳/۵

۳۶۳/۲ - ۵/فکط

شید - بافتح اول حيله و تزویر،

فریب ۱۰۵/۱۳

شید - دیوانه و بی عقل - آشفته از

عشق در اصطلاح اهل جذبه و صاحب شوق

را گویند ۲۲/۷ - ۲۱/۷ - ۷/۸ - ۴/۷

۱۰۷/۹ - ۹۷/۳ - ۷۶/۱۳ - ۴۴/۲

۳۵۲/۱۱ - ۲۶۴/۱۱ - ۲۲۰/۸ - ۱۷۲/۵

۳۷۳/۴

شیر - ۱۸۹/۷ - ۵۳/۲ - ۲۸/۹

۱۹۶/۱ - ۴۸/۱ - ۲۲۸/۳ در ابیات زیر

بمعنی اسد یعنی حیوان درنده است ۵۲/۱

۳۰۱/۶ - ۲۷۸/۱ - ۲۷۶/۱ - ۲۶۳/۹

۳۵۸/۱ - ۳۶۷/۶ - ۳۷۴/۵ شیردل

۳۸۴/۸ شیر خدا در ابیات ۱۴۵/۱۲

۱۱ - ۲۲۵ - ۳۵۸/۲ بصورت شیر گیر آمده

شیراز - ۱۰۰/۶ - ۲۹/۱ -

۱۸۹/۴ - ۱۸۲/۹ - ۱۷۶/۸ - ۱۲۹/۱

۲۲۹/۵ - ۱۸۹/۱ - ۲۵۹/۲ - ۲۳۲/۸

۳۶۷/۳ - ۲۹/۱۰

شهاب - باکس اول، ستاره درخشان

و پاره از آتش، شعله یی که در شب مانند

ستاره درخشان ساقط میگردد. در بیت

۶/۲ مأخوذ از آیه ۹ سوره «الامن»

خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب، و در بیت

۳۱۸/۹ اشاره است به آیه ۷ سوره ۲۷

قرآن مجید «اذ قال موسی لاهله انی انست

ناراً سأتیکم منها بخیر او اتیکم بشهاب

قیس لتلکم تصطلون» ۱۷۹/۱

شهر - بزرگترین پره های بال

پرندگان ۳۶۶/۵ - ۷۱/۹

شهد - عمل و انکبین ۶۷/۸ -

۲۹/۴ - ۱۸۸/۸ - ۱۲۴/۱۰

شهر آشوب - کسی که در حسن و

جمال آشوبنده شهری باشد. معشوق

۱۴۳/۵ - ۲۳۸/۲ - ۸۲/۸ - ۳/۱۱

شهره - مشهور و نامور ۱۸/۹ -

۳۵۵/۱۳ - ۲۲۴/۱ - ۲۱۵/۹ - ۱۴۰/۱

شهر یار - بزرگترین پادشاهان

عصر - بزرگ شهر ۲۳۱/۹ - ۱۱۵/۴

۳۶۹/۷

شهباز - سوار دلاور ۲۳/۳ -

۲۵/۷ - ۷۴/۹ شاه سواران ۱۰۴/۹

۱۵۹/۲ - ۲۶۹/۴ - ۳۱۵/۱۰ - ۷/فکنز

شها - مؤنث اشهل یعنی زنمیش

چشم. چشم سیاه مایل بسرخ که فریبندگی

داشته باشد و گاهی سیاه مایل به کبود است

و نرگس شها نوعی از گل نرگس که بجای

زردی وسط سیاهی داشته باشد ۶۴/۷

شیب - در بیت ۱۰۶/۵ باکس اول

بمعنی پایین و تحت نقیض بالاست ولی

در ابیات ۲۹۳/۷ - ۱۲۷/۹ بافتح اول

شیطان رجیم - دیو راننده شده
منظور ابلیس سنگسار شده است ولی در
اصطلاح منظور از شیطان ناز غیرصافیه
است که معزوج بظلمات کفر میباشد
۲۵۳/۱۱

شیفته - عاشق ، مدهوش ، واله
۳۶۴/۲-۷۶/۴

شیوه - روش و طریق در اصطلاح
اندک جذب به را گویند که گاه باشد و گاه نباشد
و در اصطلاحات عراقی جمالیات و جلالیات
را گویند ۱۲/۱۱ - ۳۱/۶ - ۳۴/۳ -
۴۸/۹ - ۴۸/۱ - ۵۴/۱۰ - ۸۰/۹ -
۸۱/۸ - ۸۵/۷ - ۱۰۸/۱۰ - ۱۲۰/۶ -
۱۲۱/۴ - ۱۴۳/۵ - ۱۴۶/۱۲ - ۱۴۶/۱۱ -
۱۶۹/۴ - ۱۸۴/۵ - ۱۸۵/۹ - ۱۹۴/۱۰ -
۱۹۶/۱ - ۲۳۶/۶/۲۰۸/۱ - ۳۵۱/۵ -
۲۸۳/۱ - ۲۵۷/۱ - ۲۵۶/۷ - ۳۵۵/۴ -
۲۷۲/۹ - ۲۹۸/۳ - ۳۰۶/۱ - ۳۳۳/۱ -
۳۴۹/۴ - ۶/۶ قکه

شیرین - ۲۵/۹ - ۳۳/۵ - ۵۱/۱۲
۵۹/۱۲ - ۷۷/۹ - ۸۲/۱۱ - ۵۴/۹
شیرین قلندر ۱۰۲/۶ - ۲۹۳/۶ - ۲۶۶/۱۱
۲۵۴/۶ در ابیات ۴۰/۱۲ - ۳۷/۶ -
۲۴۴/۱۱ - ۳۳۷/۲ شیرین بکار رفته و
در ۴۰/۱۳ - ۳۶/۵ - ۱۳۰/۱۲ شیرین
دهان استعمال شده و در موارد زیر
منظور معشوق و زن خسرو پرویز میباشد
که در اکثر جاها بعلت وجود قرینه ابهام
حلاوت دارد ۳۸/۱۲ - ۳۸/۱ - ۷۰/۲ -
۲۱۵/۹ - ۱۲۸/۱۰ - ۱۱۹/۶ - ۷۶/۱۳
۲۴۳/۷ - ۲۶۶/۱۰ - ۲۷۷/۷ - ۳۳۷/۲
۳۴۵/۸ - ۳۴۱/۳

شیرینکار - مسخره و کسی که سخنان
لطیف گویند. شعبده باز و حقه باز ۳/۱۱
۲۵/۷ - ۲۹۲/۲ در بیت ۲۳۱/۵ شیرین
حرکات است .
شیشه بازی - شعبده بازی با گوی و
ساغر ۳۴۳/۹ و در بیت ۳۴۲/۴ بصورت
شیشه آمده است .